

## شعیب؛ پیامبر سخنان

تاریخ نویسان و مفسران در مورد حضرت شعیب (ع) نوشته اند که ایشان نابینا بوده است اما دارای مهارت در سخنرانی و منطق و استدلال بوده است.



تاریخ نویسان و مفسران در مورد حضرت شعیب (ع) نوشته اند که ایشان نابینا بوده است اما دارای مهارت در سخنرانی و منطق و استدلال بوده است.

به گزارش ایگنا، حضرت موسی (ع) در دوره جوانی پس از آنکه در برخورد با نیروهای فرعون یک نفر را کشت، از آن سرزمین فرار کرد و در میانه راه به دخترانی رسید که مشغول چوپانی بودند. موسی به آن دختران در آب دادن به حیوانات کمک کرد و سپس آنها را تا خانه شان همراهی کرد.

آنها، دختران شعیب بودند و زمانی که به خانه رسیدند پیشنهاد استخدام موسی را به شعیب دادند که مورد پذیرش پدر قرار گرفت. شعیب به موسی پیشنهاد کار و ازدواج با دخترش را داد و او قبول کرد. موسی پس از اتمام قراردادش، با دختر شعیب ازدواج کرد. شعیب بر اساس برخی منابع، مانند یعقوب نابینا بود. مورخان و مفسران بسیاری علت نابیناشدن شعیب را گریه زیاد او به خاطر علاقه و اشتیاق زیاد به خداوند دانسته اند.

از پیامبر اسلام(ص) نقل شده است: حضرت شعیب(ع) به عشق خدا آن قدر گریه کرد تا نابینا شد، خداوند او را بینا کرد، باز آن قدر گریه کرد تا نابینا شد، دوباره خداوند او را بینا کرد، برای بار سوم نیز آن قدر به عشق الهی گریه کرد که نابینا شد، خداوند باز او را بینا کرد، در مرتبه چهارم خداوند به او چنین وحی کرد: «ای شعیب! تا کی به این حالت ادامه می‌دهی؟ اگر گریه تو از ترس آتش دوزخ است، آن را بر تو حرام کردم، و اگر از شوق بهشت است، آن را برای تو مباح نمودم».

شعیب(ع) عرض کرد: «إلهی وَ سَیِّدِی أَنْتَ تَعَلَّمْ آیَّتِی مَا بَکَيْتُ حَوْفًا مِنْ نَارِکَ وَ لَا شَوْفًا إِلَى جَنَّتِکَ، وَ لَکِنْ عَقَدَ حُبُّکَ عَلَی قَلْبِی قَلَسْتُ أَصْبِرُ أَوْ أَرَاکَ: ای خدای من و ای آقای من! تو می‌دانی که من نه از خوف آتش دوزخ تو گریه می‌کنم، و نه به خاطر اشتیاق بهشت تو، بلکه حبّ و عشق تو در قلمم گره خورده که قرار و صبر ندارم تا تو را (با چشم دل) بنگرم و به درجه نهایی عرفان و یقین برسم، و مرا به عنوان حبیب درگاہت پذیری».

خداوند به شعیب فرمود: «اکنون که دارای چنین حالتی هستی به زودی هم سخن خودم موسی(ع) را خدمتگزار تو می‌کنم».

چنان که در شرح زندگی حضرت موسی(ع) ذکر شده است، ایشان بیش از ده سال چوپان حضرت شعیب(ع) بود. حضرت شعیب(ع) با منطق و استدلال و شیوه‌های حکیمانه و محبت آمیز، قوم خود را به سوی خدا و عدالت دعوت می‌کرد. بیان او به قدری جالب و جاذب و گیرا بود که پیامبر اسلام(ص) فرمود: «كَانَ شُعَيْبٌ حَاطِبُ الْأَنْبِيَاءِ: شعیب(ع) خطیب و سخنران در بین پیامبران بود».

قوم شعیب(ع) به جای این که به دعوت منطقی شعیب(ع) گوش فرا دهند و از او اطاعت کنند، لجاجت کردند و با گستاخی در برابر او ایستادند، تا آنجا که او را جاهل و کم عقل خواندند. مورخان درباره عمر شعیب اختلاف نظر دارند. بعضی معتقدند، ۲۴۲ سال و کسانی هم عمرش را ۲۵۴ و ۴۰۰ سال نوشته اند و هم چنین درباره محل درگذشت و دفن او نیز اختلاف نظر وجود دارد. عربستان، یمن، فلسطین و ایران نام محل هایی است که احتمال دفن شعیب را داده اند.